

گفتمان مقاومت در سپهر فکری و اندیشه‌ای مقام معظم رهبری

مسعود مطلبی^۱
اردشیر کاظمی^۲
حوریه امجدی^۳

چکیده:

قدرت گفتمان سازی انقلاب اسلامی، اساسی‌ترین مؤلفه نظام جمهوری اسلامی در غلبه بر چالش‌های گوناگون، پیشرفت روزافزون کشور و الهام بخشی آن در منطقه، جهان اسلام و ملت‌های آزاده بوده است. فی الواقع پدیداری و ماندگاری و باروری «اندیشه مقاومت» که امروز به مؤلفه‌ای تعیین کننده و قدرتمند در معادلات منطقه و جهان اسلام تبدیل شده است، یکی از تأثیرات بسیار مهم و راهبردی انقلاب اسلامی ایران و تدابیر و تصمیم‌های دورنگرانه و استراتژیک مقام معظم رهبری است. با سیری در سپهر فکری و اندیشه‌ای مقام معظم رهبری پی برده می‌شود که کلید واژه «مقاومت» از جمله واژگان کلیدی است که در این سپهر فکری از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و هست. نوشتار حاضر که با هدف تبیین و شناخت گفتمان مقاومت در سپهر فکری و اندیشه‌ای مقام معظم رهبری به رشته تحریر در آمده است می‌کوشد با رویکردی توصیفی-تحلیلی و با استناد به عناصر و مؤلفه‌های ایجابی و سلبی «گفتمان مقاومت» در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری، نقش این گفتمان را در مهندسی و عملیاتی سازی «استکبار ستیزی، نفی نظام سلطه و سلطه‌ستیزی و بیداری اسلامی» در تداوم حیات انقلاب اسلامی به تصویر بکشد.

واژگان کلیدی: انقلاب اسلامی، گفتمان مقاومت، عدالت، سلطه، نظام سلطه

^۱ - استادیار و عضو هیئت علمی، گروه علوم سیاسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، گلستان، ایران
mmtph2006@yahoo.com

^۲ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش سیاست گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

^۳ - دانشجوی دکتری علوم سیاسی، گرایش سیاست گذاری عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۲/۲ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۲/۲۰

۱. بیان مساله

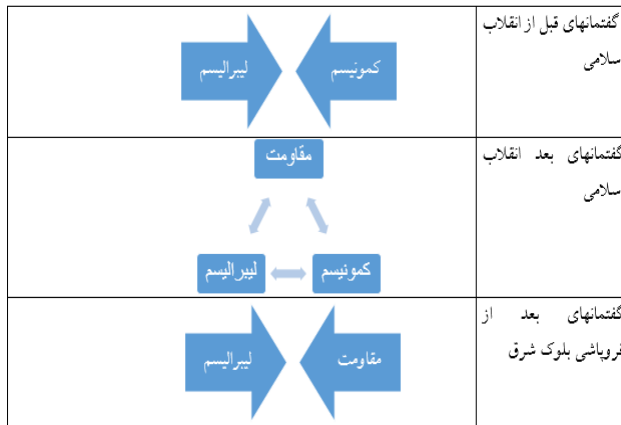
سابقه مقاومت به قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران بر می‌گردد چرا که علما، نخبگان و مردم زیادی در این منطقه اسلامی در برابر استبداد و استعمار شرقی و غربی، کمونیستی و لیبرالیستی و انواع مکاتب فکری مقاومت کرده‌اند. ماجرای قیام تنباکو و جنبش مشروطه نمونه‌هایی از این مقاومت بشمار می‌آید. اما با وقوع انقلاب اسلامی ایران یک تفاوت اساسی در نوع مقاومت پدید آمد. فی الواقع با وقوع انقلاب اسلامی برای اولین بار یک عالم بزرگ و یک مرجع تقلید مفهوم مقاومت را عوض کرد. مقاومت در اذهان مسلمانان و به ویژه شیعیان از انتظار سلبی و انفعالی به یک انتظار ایجابی تغییر یافت. اگر تا پیش از آن گفته می‌شد که ظلم و بی‌عدالتی و اجحاف بد است، از آن پس گفته شد که این کافی نیست، بلکه باید برای اقامه عدل قیام کرد. به همین خاطر حضرت امام خمینی اختلاف نظر جدی با برخی مراجع زمان خود پیدا کردند. آن مراجع ضمن استناد کردن به برخی احادیث، نسبت به حرکت‌های انقلابی امام هشدار می‌دادند، اما پاسخ امام به این سخنان با طرح مباحث ولایت فقیه بود و اینکه عمل به «امر به معروف» و «نهی از منکر» در گرو تشکیل حکومت است. (دارابی، ۱۳۹۶: ۷۳-۷۰) امام خمینی (س) برای نخستین بار دین را با سیاست یکی دانستند. لذا حرکتی عمومی شکل گرفت که امام همراه با مردم حرکت کرد و مبانی معرفتی حکومت اسلامی را پی‌ریزی نمود.

در زمان امام خمینی وقتی کشورهای اروپایی سفرای خود را در پی اعلام حکم ارتداد سلمان رشدی از ایران فراخواندند، امام گفتند بگذارید بروند، ما به اینها احتیاج نداریم و مجبور خواهند شد برگردند و سرشان هم پایین است و اذعان خواهند کرد که حق با ماست. چند هفته بیشتر نگذشته بود که دیدیم همانها در کشورهای عربی برای بازگشت به ایران به دنبال واسطه می‌گشتند. این کجای محاسبات معمولی دنیا غیر از این فلسفه جدید مقاومت و بر اساس ایمان و عشق به غیب امکان دارد؟ البته تصمیم امام خمینی در قضیه سلمان رشدی خالی از درایت و عقلانیت نبوده است و بر اساس شناخت ایشان از غرب صورت گرفته است. امام خمینی می‌خواست ثابت کند که تمامی واقعیت‌ها تغییر خواهد کرد؛ لذا در همین خصوص می‌فرمایند:

«همه ترس استکبار از همین مساله است که فقه و اجتهاد جنبه عینی و عملی پیدا کند. راستی به چه علت است که در پی اعلام حکم شرعی و اسلامی مورد اتفاق همه علما در مورد یک مزدور بیگانه این قدر جهانخواران برافروخته شدند و سران کفر و بازار مشترک و امثال آن به

تکاپو و تلاش مذبوحانه افتاده‌اند؟ غیر از این نیست که آنان اسلام امروز مسلمانان را یک مکتب بالنده و متحرک و پر حماسه می‌دانند و از اینکه فضای شرارت آنان محدود شده است و مزد-بگیران آنان چون گذشته با اطمینان نمی‌توانند علیه مقدسات قلم فرسایی کنند مضطرب شده‌اند ... استکبار غرب شاید تصور کرده است از اینکه اسم بازار مشترک و حصر اقتصادی را به میان بیاورد ما در جا می‌زنیم و از اجرای حکم خداوند بزرگ صرف نظر می‌نماییم. ما کینه دنیای غرب را با جهان اسلام و فقاقت، از همین نکته‌ها به دست می‌آوریم. قضیه آنان قضیه دفاع از یک فرد نیست؛ قضیه آنان حمایت از جریان ضد اسلامی و ضد ارزش است ... آنان که هنوز بر این باورند و تحلیل می‌کنند که باید در سیاست و اصول دیپلماسی خود تجدید نظر نماییم و ما خامی کرده‌ایم و اشتباهات گذشته را نباید تکرار کنیم و معتقدند که شعارهای تند یا جنگ سبب بدبینی غرب و شرق نسبت به ما و نهایتاً انزوای کشور شده است و اگر ما واقع‌گرایانه عمل کنیم آنان با ما برخورد متقابل انسانی می‌کنند و احترام متقابل به ملت‌ها و اسلام و مسلمین می‌گذارند، این یک نمونه است که خدا می‌خواست پس از انتشار کتاب کفرآمیز آیات شیطانی در این زمان اتفاق بیفتد و دنیای تفرعن و استکبار و بربریت چهره واقعی خود را در دشمنی دیرینه‌اش با اسلام بر ملا سازد تا ما از ساده‌اندیشی به در آییم». (صحیفه امام، ج ۲۱: ۲۸۹ و ۲۹۰)

بر این اساس می‌توان گفت با پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی مساله مقاومت تبدیل به یک گفتمان شد و در برابر گفتمان‌های رایج (رقیب یا پادگفتمان) و موجود زمان چنانکه در نمودار شماره (۱) آمده، یعنی گفتمان کمونیسم و گفتمان لیبرالیسم ایستاد و خط گفتمانی کمونیسم- لیبرالیسم را تبدیل به مثلثی کرد که هر کدام از آن گفتمان‌ها یک سر ضلعش را تشکیل می‌دادند. اما دیری نپایید که با فروپاشی بلوک شرق و از بین رفتن گفتمان کمونیسم، آن مثلث دوباره شکل خطی به خود گرفت با این تفاوت که این بار طرف مقابل گفتمان لیبرالیسم در این خطِ گفتمانی جهانی، گفتمان مقاومت با محوریت انقلاب اسلامی بود.



نمودار شماره (۱): گفتمان انقلاب اسلامی و گفتمان‌های رقیب

با رحلت امام خمینی و آغاز زمامداری مقام معظم رهبری این گفتمان وارد مرحله جدیدی شد و آن، تاثیر این گفتمان در تداوم حیات انقلاب اسلامی بواسطه استکبار ستیزی، نفی نظام سلطه و سلطه‌ستیزی و بیداری اسلامی می‌باشد. گفتمان مقاومت و پایداری که مورد تأکید مقام معظم رهبری و مردم متدین و انقلابی از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی تا امروز بوده است، برگرفته از آموزه‌های دینی و وعده الهی است که «وَأِنْ تَصَبَرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ» (اگر در برابر آنها) استقامت و پرهیزگاری پیشه کنید نقشه‌های (خائنانه) آنها به شما زبانی نمی‌رساند خداوند به آنچه آنها انجام می‌دهند احاطه دارد.» (سوره آل عمران، آیه ۱۲۰) و در این وعده هیچ تخلفی نیست. وعده خداوند به مؤمنان این است «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اگر خدا را یاری کنید شما را یاری می‌کند و گامهایتان را استوار می‌دارد.» (سوره محمد، آیه ۷) و به یقین اگر مؤمنان در مسیر تحقق احکام اسلامی گام بردارند، نصرت و یاری خداوند شامل حال آنها خواهد شد همانگونه که بارها در طول تاریخ این مطلب به اثبات رسیده است.

۲. ادبیات نظری

بی گمان یکی از پرکارترین و مناقشه انگیزترین واژگان در سالیان اخیر، «گفتمان» است که در شاخه‌های مختلف معرفتی به کار رفته و مشتاقان بسیاری یافته است ولی در علوم سیاسی و در فلسفه بیش از سایر شاخه‌ها، مورد اقبال و توجه واقع شده است. شاید به این دلیل که در روزگار ما این واژه با مفهوم «قدرت» گره خورده است. به ویژه در نزد فیلسوفانی چون میشل فوکو این اصطلاح چنان با قدرت در آمیخته که گاهی با آن مترادف می‌شود. او که سالهای زیادی را

وقف گفتمان نمود، در اوج کار و کمالش (۱۹۷۷) چنین گفت: «کنون از خود می‌پرسم که در «تاریخ دیوانگی» یا «زایش درمانگاه» از چه چیزی جز قدرت حرف زده‌ام». (برنز، ۱۳۷۳: ۴۴)

گفتمان در لغت به چند معنی آمده است: مباحثه و مجادله، مسیر و جریان و راه و روش، گفتگو و مکالمه، عمل، قانون، پرده نمایش، نماد، قدرت، توان و استعداد تفکر و... (Babcock, 1981: 541) اما این واژه همین که وارد متون تخصصی می‌شود و مفهوم اصطلاحی به خود می‌گیرد، پیچیده تر و گسترده‌تر می‌شود.

امیل بن ونیتس از زاویه زبان شناسی به این کلمه نظر انداخته است. طبق گفته او، «گفتمان» را باید از زاویه «ارتباطات اجتماعی» در نظر گرفت. از این دیدگاه، گفتمان سبب «عینیت بخشیدن» به واژه‌ها می‌شود، یا به بیان دیگر وجود عینی آنها برای ما درک می‌شود. او و سایر زبان شناسان اعم از ساختارگرایان و دیگران از زوایای دیگر نیز به این موضوع پرداخته‌اند. همچنین از دیدگاه فلسفی نیز گفتمان مورد توجه افرادی چون دکارت، نیچه، کانت، هوسرل و هابرماس و امثال آنان قرار گرفته است. (Payne, 1996: 144-148)

گفتمان از دیدگاه نشانه-معناشناختی کنشی است که شکل‌گیری آن مبتنی بر چهار عامل اساسی است که عبارتند از جهت‌مندی^۱، موضع داری^۲، زاویه دید^۳ و روی آورد^۴. جهت‌مندی، مسیر حرکت گفتمان را مشخص می‌کند: گفتمان می‌تواند در مسیر کمی، کیفی، کاهش، افزایش، تنشی و غیره حرکت کند. موضع داری مبدأ شکل‌گیری گفتمان را تعیین می‌کند: به عنوان مثال گفتمان از موضع اول شخص مفرد و یا سوم شخص مفرد شکل می‌گیرد. زاویه دید سبب می‌گردد تا از میان ممکن‌های موجود یک ممکن انتخاب و برجسته شود و بالاخره روی آورد باعث می‌شود تا کنشگر گفتمانی به سمت ابژه مشخصی متمایل شود که تضمین‌کننده نظام ارزشی گفتمان از طریق انتقال آگاهی ابژه مورد نظر به کنش‌گر است. این دیدگاه در مورد گفتمان سبب تمایز ما از دیدگاه فوکویی و فرکلافی می‌گردد. در واقع ما گفتمان را فرآیندی می‌دانیم که نتیجه کنش گفته‌پردازی^۵ است و از طریق زنجیره دالی و مدلولی ایجاد می‌گردد. همین کنش است که سبب می‌شود تا انرژی‌های متفاوتی به فضای گفتمانی تزریق گشته تا گفتمان محل چالش، جابجایی، بازپردازی، تغییر و تحول زبان از شرایط رایج و عمومی

1. Orientation

2. Position

3. Point of view

4. Intention

5. Enunciation

به شرایط خاص و منحصر به فرد باشد. در نتیجه، وضعیت‌های ایجابی و منجمد به وضعیت‌های پویا و سیال استحاله می‌یابند. (شعیری، ۱۳۹۴: ۱۱۱)

پس گفتمان همواره در درون خود انرژی‌هایی را ایجاد می‌کند که سبب شکل‌گیری روی آورد، نزد کنش‌گران گفتمانی می‌شود. همین روی آوردها هستند که مسیرهای متعددی را در درون گفتمان می‌گشایند. از جمله این مسیرها می‌توان به چالش‌های درون گفتمانی اشاره نمود. این چالش‌ها سبب شکل‌گیری قلمروهایی می‌شوند که هر یک می‌توانند در راستای مقاومت^۱ در برابر دیگری و یا مماشات^۲ با او حرکت کنند. در صورت مقاومت یک قلمرو در برابر قلمرویی دیگر لازم است که شرایط ایجابی تغییر کند و بر اثر ممارست^۳ در برابر آن یا شرایط جدیدی جایگزین آن شود و یا اینکه مسیر حرکتی جدید بر روی گفتمان گشوده شود. در بعضی موارد مقاومت تا جایی پیش می‌رود که باعث فتح جدیدی برای کنش‌گر گفتمانی می‌گردد. این فتح زمانی تحقق می‌یابد که یک باور جدید ایجاد شود و جای باوری کهنه را بگیرد. اینک باید دید چگونه و بر اساس چه حربه‌ای قلمروهای گفتمانی در برابر یکدیگر مقاومت نموده و با ممارست راه را بر یک وضعیت ایجابی تثبیت شده می‌بندند و سپس چشم انداز جدیدی را ایجاد می‌کنند. که مبتنی بر خلق جریانی جدید است، چگونه گفتمان‌ها بر اثر مقاومت و ممارست قادر به فرو ریختن نظام‌های ایجابی و ایجاد نظامی پویا و تحول‌گرا هستند؟ نباید فراموش کرد که در بعضی موارد مقاومت با مانع برخورد می‌کند و از ادامه حرکت باز می‌ماند؛ در این حالت است که گفتمان مسیر مماشات را دنبال می‌نماید. چگونه و بر اساس چه شرایطی مقاومت گفتمانی به مماشات گفتمانی تغییر می‌یابد؟

خداوند متعال در قرآن کریم دین اسلام را دینی «استوار» معرفی می‌کند.^۴ این استواری حاصل ریشه‌داری اسلام در حقایق هستی است. و بر این اساس حرکت در راه دین، استواری و تکامل هر چه بیشتر را به همراه دارد. در تعداد قابل توجهی از آیات قرآن کریم مشتقاتی از این ریشه وجود دارد. مشتقاتی مانند: مُسْتَقِیْم - ۳۷ آیه / اَقِیْمُوا - ۱۳ آیه / قَوْمُوا - ۱ آیه / قِیْم - ۶ آیه / اَقِمْ - ۸ آیه / اِسْتَقِمْ - ۲ آیه / اِسْتَقِیْمُوا - ۲ آیه / اِسْتَقَامُوا ۴ آیه.

1. Resistance
2. Appeasement
3. Insistence

۴. فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَیِّمِ/ پس به سوی این دین درست و استوار روی آور (قرآن کریم، سوره مبارکه روم، آیه کریمه ۴۳).

اصطلاح مقاومت بر این اساس یعنی: تقویت استواری خط اسلام با حرکت در راه اسلام به عنوان یگانه راه استواری و با تکیه بر عوامل هدایت و قدرت در گفتمان اسلام. مقاومت نه منحصر در جنگ هشت‌ساله است. مقاومت معادل اعتراض، انقلاب یا پایداری نیست. مقاومت نبرد پایان‌ناپذیر حق و باطل است. همچنین مقاومت صرفاً حرکت میهنی یا اجتماعی نیست. مقاومت از سلوک درونی در مبارزه با نفس آغاز می‌شود و به مرزهای جغرافیایی ختم می‌شود.

به لحاظ زمانی مقاومت نه به گذشته نزدیک جنگ هشت‌ساله منحصر است و نه به گذشته دور صدر اسلام و نه به آینده ناپیدای موعود. به لحاظ نوع و گونه مقاومت منحصر در عمل مسلحانه نیست؛ مقاومت پی‌وستار تام تمام گونه‌های عمل از نرم به سخت است.

در این تحقیق و آن چنانکه در نمودار شماره (۲) آمده است عناصر و مؤلفه‌های گفتمان مقاومت را در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ یک بخش نفی یا سلبی است و بخش دیگر اثباتی و ایجابی. در مرکز بُعد سلبی گفتمان مقاومت، سلطه ستیزی قرار دارد. یعنی مهم‌ترین عنصر سلبی گفتمان مقاومت، نفی سلطه و سلطه ستیزی است و دوم، نفی استکبار و استبداد ستیزی است. فی الواقع نفی تبعیض و خشونت ساختاری در نظام بین‌الملل، نفی توسعه طلبی و زیاده خواهی و تجاوز طلبی در روابط بین‌الملل نیز باز به بُعد سلبی گفتمان مقاومت بر می‌گردد.

همچنین به لحاظ وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت که در مرکز این گفتمان قرار دارد، عبارت است از عدالت خواهی و حق طلبی، اسلام خواهی، صلح طلبی، عزت طلبی و اقتدار، استقلال طلبی، آزادی خواهی، معنویت‌گرایی، حکمت و عقلانیت‌گرایی، مصلحت‌گرایی و آرمان‌گرایی و واقع‌بینی. به هر جهت، مؤلفه‌های مذکور گفتمان مقاومت را به عنوان یک نوع گفتمان آرمان‌گرایی و واقع‌بینانه مطرح می‌کند، زیرا آرمان‌هایی در این گفتمان هست و همزمان به یک واقعیت‌هایی هم توجه می‌شود.



نمودار شماره (۲): عناصر اصلی گفتمان مقاومت

۳. عناصر و مولفه‌های گفتمان مقاومت در اندیشه مقام معظم رهبری

۳-۱- وجوه اثباتی و ایجابی گفتمان مقاومت

۳-۱-۱- معنویت گرایی

همزمان با شکل گیری انقلاب، ایده جدیدی برای رویکرد معنویت گرا در گفتمان سیاسی تشکیل شد. در نگاه انقلابی به دین و معنویت، موانع اجتماعی رشد معنوی انسان، باید کنار گذاشته شوند. بنابراین رهایی از سلطه و سیطره استبداد و دیکتاتوری، در جهت تحقق ارزش‌های انسانی و برای نیل به جامعه‌ای آزاد و دارای حق انتخاب، از نکات برجسته حضور دین در عرصه اجتماع است. در نگاه اجتماعی دین، زیر بار ظلم رفتن مثل ظلم کردن، هر دو از ناحیه عدم تزکیه است. اتکا بر قدرت معنوی و ارزش‌های اخلاقی، زمینه سوءاستفاده‌های منفعت گرایانه را می‌بندد. «در نگاه مادی به قدرت، هر مظلومی به واسطه قرار گرفتن در موضع قدرت، گرایش به سلطه و استبداد پیدا می‌کند و ظالم می‌شود و انقلاب دیگری را زمینه سازی می‌کند».

(منصوری، ۱۳۸۱: ۱۴۴) و این تسلسل ادامه خواهد داشت. اما حرکت اجتماعی که نه بر مبنای طغیان و عصیان مطلق بر علیه وضع موجود در جهت به دست گرفتن قدرت، بلکه با محوریت ارزش‌های اخلاقی و در جهت کسب رضای خدا و برای احقاقی حقوق مسلم انسانها و به انگیزه ایجاد شرایط برتر برای رشد مادی و معنوی توأمان، شکل می‌گیرد، کاملاً متفاوت از اقدامات قدرت محور است.

«اسلام یک مکتب ارزشی- فرهنگی است که در پی گسترش عدالت و ارزش‌های ناشی از عبودیت حضرت حق و رهایی از تعلقات غیرانسانی در عرصه‌های گوناگون حیات بشری به هدف حصول سعادت دنیوی و اخروی است. انقلاب اسلامی به واسطه صفت اسلامی و هویت معنویت‌گرای شریعت اسلام، سرشار از ارجاعات معنوی است.» (همان: ۱۶۹)

برای نزدیک شدن به آرمان تحقق تمدن اسلامی که متأخر از داشتن جامعه اسلامی است، نمی‌توان تنها دغدغه اصلاح فرد داشت و اجتماع بماهو اجتماع را نادیده گرفت. ساختارهای حاکم بر یک اجتماع تازمانی که در جهت تحقق ارزش‌های الهی تغییر نکند، تغییر افراد راه به جایی نخواهد برد. درست است که حرکت‌های بزرگ همیشه از یک فرد آغاز می‌شود، اما محدود کردن رسالت دین به زندگی فردی و نادیده گرفتن نقش آن در تغییر ساختارها، جفای بزرگی به دین است.

رهبر معظم انقلاب در ارتباط با نقش معنویت در انقلاب چنین فرموده‌اند: «این انقلاب بر پایه اصول مستحکمی بنا شد. هم اجرای عدالت را مورد نظر قرار داد، هم آزادی و استقلال را (که برای ملتها از مهمترین ارزشهاست)، هم معنویت و اخلاق را. این انقلاب، ترکیبی از عدالتخواهی، آزادی خواهی، مردم سالاری و معنویت و اخلاق است. منتها این عدالت را نباید با آن عدالت ادعایی و موهومی که کمونیست‌ها در شوروی سابق یا در کشورهای اقمار خویشتن شعارش را می‌دادند، اشتباه کرد... این معنویت و اخلاقی را هم که انقلاب اسلامی و جمهوری اسلامی جزو اصول خود قرار داده است، نباید با دینداری متحجر و ایستا در بسیاری جوامع اشتباه کرد.» (بیانات در سالگرد ارتحال امام خمینی، ۱۳۸۸/۳/۱۶)

ناظر به نگاه مقام معظم رهبری، معنویت کلید واژه اصلی در خودسازی فردی و اجتماعی است. معنویت راهبرد ایشان در تربیت جامعه و اعتلای امت اسلامی است و بر این اعتقادند که عنصر «تقوی» برآورنده همه آنچه خواهد بود که مربوط به ساحت معنویت و سطوح مرتبط با آن است. از این رو، بر تقوای اجتماعی در کنار تقوای فردی تکیه و تأکید کرده‌اند (بیانات ۱۳۶۹/۱۱/۱۹)

و اصلی‌ترین عنصر اقتدار معنوی را نیز ایمان دانسته‌اند. (بیانات در مورخه ۱۳۸۸/۷/۱۴). ناگفته نماند که معنویت در اندیشه رهبری به این معنا است: «رابطه و اتصال قلبی با خداوند» (بیانات در مورخه ۱۳۶۹/۱/۱) و در تبیین مراتب والاتر این نوع ارتباط با خداوند می‌فرماید: «مجدوب شدن در مقابل لطف الهی» (بیانات در مورخه ۱۳۸۹/۲/۱) و ریشه حدوث معنویت را نهفته در «راز و نیاز با خدا و ارتباط دلها با خدای متعال» (بیانات در مورخه ۱۳۷۰/۶/۲۷) دانسته است و لوازم خارجی ارتباط با خدا را «فریب ظواهر دنیا را نخوردن و دلبستگی به زر و زیور و زخارف دنیا پیدا نکردن» (بیانات در مورخه ۱۳۷۰/۶/۲۷) قلمداد کرده‌اند و در واقع بر ساخته از دو عنصر:

۱. حب صائب به خدا و عشق صادق؛ ۲. رهایی از حب دنیا و آزادگی معنوی می‌دانند، این دو عنصر در سلوک فردی و اجتماعی نقش بنیادین خواهند داشت. از این‌روست که معتقدند مباحث عرفانی نیز باید دل انسان را به خدا نزدیک کند، یاد الهی را در انسان به‌وجود آورد و بصیرت لازم را برای حضور در مقابل خدا ایجاد کند. (بیانات در مورخه ۱۳۷۰/۱۲/۱۳) به هر حال معنویت به معنای انس و ارتباط عمیق با خدا کارآمدی خاصی در متن زندگی انسان داشته و سرمایه رشد و رستگاری فرد و جامعه محسوب می‌شود. بدین جهت ضرورت حضور معنویت و ظهور آن در همه ابعاد حیات انسانی امری روشن بوده و اهمیت راهبردی معنویت در تعالی فرد و جامعه مساله‌ای آشکار است. این درحالی است که مکاتب غربی از معنویت که نیاز واقعی و اساسی انسان است، غفلت کرده و به نیازهای مادی می‌پردازد و آنها را نیازهای اصلی جلوه می‌دهد. (بیانات در مورخه ۱۳۷۷: ۱۲۷)

معنویت اسلامی که در انقلاب اسلامی عرضه شد با معنویت متحجرانه و لیبرال سازگار نبوده و تعارض واقعی است؛ چرا که اسلام متکی به معنویت، عقلانیت و عدالت است. چنانچه ایشان معتقدند: «ما از معنویت به هیچ عنوان صرف‌نظر نمی‌کنیم؛ روح و اساس کار ما معنویت است. اسلام معنویت، عقلانیت و عدالت. به اسم اسلام قانع نیستیم که اسلام لیبرال داشته باشیم تا ارزش‌های غربی و ارزش‌های امریکایی را ترویج کند و از روش‌های آنها استفاده کند و با آنها در بخش‌های مختلف هم‌رنگ و هم‌صدا شود و دعای ندبه‌ای هم بخواند. ما اسلام متحجر طالبانی را هم قبول نداریم. ما بین این دو، صراط مستقیم خودمان را انتخاب کرده‌ایم و پیش می‌رویم. بنابراین، اساس کار ما این است و اجازه نمی‌دهیم که بخواهند ما را در معادلات رایج جهانی حل کنند و هویت و شخصیت ما را از بین ببرند». (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۸۳/۵/۲۵)

۳-۱-۲- صلح، عدالت و کرامت انسانی

در جهان امروز رهبر معظم انقلاب به عنوان یکی از اندیشمندان بزرگ جهان که جایگاه سیاسی بزرگی نیز در منطقه و جهان دارد، در مناسبت‌های مختلف، دغدغه‌ها و اندیشه‌های خود را در حوزه صلح، عدالت و کرامت انسانی بیان داشته‌اند که نه تنها در عرصه بین‌المللی، بلکه در ایران اسلامی نیز به اندازه کافی و شایسته به آن پرداخته نشده است، در حالیکه واکاوی اندیشه‌های ایشان نشان می‌دهد که مقام معظم رهبری در طی چهار دهه گذشته با یک نگاه فراملیتی و جهانی به موضوع صلح و عدالت توجه داشته و در مناسبت‌های مختلف به حفظ حقوق انسانها و به ویژه مسلمانان تأکید ویژه داشته و راهکارها و دیدگاه‌های بدیعی ارائه کرده‌اند.

ایشان در دیدار با روحانیون استان سمنان صلح عادلانه را اینگونه مورد تأکید قرار دادند: «صلح عادلانه یک ارزش است. و آلا ظالمی که آمد خانه یک مظلومی را غصب کرد، با همدیگر اختلاف پیدا می‌کنند؛ آن مظلوم اعتراض می‌کند، دعوا می‌کند؛ یکی بیاید بگوید صلح کنید؛ حالا پهلوی هم زندگی کنید! پس غصب خانه او چه می‌شود؟! بنابراین، صلح عادلانه مهم است.» (بیانات در مورخه ۱۳۸۵/۸/۱۷) بنابراین مساله عدالت و تعمیم آن به همه میدان‌های قضاوت‌های سیاسی و اجتماعی، جزو افکار و نوآوری‌های جمهوری اسلامی در عرصه سیاسی دنیای امروز است که اینها را به چالش می‌کشد. پس پایه فکری را باید قوی کرد تا انسان در پیکار اندیشه‌ها و افکار گوناگون در امروز دنیا بتواند بایستد و جبهه خودش را حفظ کند.» (بیانات در مورخه ۱۳۸۵/۸/۱۷)

قابل تأمل اینکه ایشان در بیانات خود، علاوه بر تبیین مفهومی و تلاش برای گفتمان سازی در زمینه برقراری صلح، عدالت و حفظ کرامت انسانی از منظر انسانی و اسلامی، همواره رفتار، اخلاق و عملکردهایی که ریشه‌های شکل‌گیری رفتارهای تهدید صلح در جهان هستند و راه حل برون رفت از این مشکلات را مورد توجه قرار داده‌اند.

در این ارتباط، مقام معظم رهبری در مجمع عمومی سازمان ملل می‌فرمایند: « صلح، بی شک کلمه‌ای زیبا و جذاب است؛ تا آن حد که آتش‌افروزان بزرگ بین‌المللی و پدید آورندگان سلاح‌های جهان‌سوز نیز بدان علاقه نشان می‌دهند.» (بیانات در مورخه ۱۳۶۶/۶/۳۰)

از نظر ایشان «صلح جهانی را چه کسی تهدید می‌کند؟ کسانی صلح جهان را تهدید می‌کنند که در فاصله بیست سال، دو جنگ ویرانگر جهانی را به راه انداخته‌اند. صلح جهانی را دولت

آمریکا تهدید می‌کند که در دهها نقطه عالم در طول نیم قرن اخیر جنگ افروزی کرده ...».
(دیدار بسیجیان و سپاهیان لشکر ۲۵ کربلا، ۱۳۸۲/۶/۲۹)

ایشان همچنین بر این نکته تاکید کرده‌اند که ایران اسلامی و اصولا تربیت انقلابی در ایران در مسیر توسعه صلح و تحقق اهداف صلح آمیز برای همه انسانها است. «صلح و سعادت و عدالت، پیام نو و روشن ملت ایران برای همه ملتها است و جوانان پرشور این سرزمین بزرگ، برای تحقق این پیام باید با همه ظرفیت‌های وجودی خود در میدان تلاش و پیشرفت، حاضر باشند».
(مراسم دانش آموختگی دانشگاه‌های افسری ارتش، ۱۳۸۸/۷/۱۴)

۳-۱-۳- انقلاب گرایي و انقلابی بودن

در نظر مقام معظم رهبری «انقلاب و انقلابی گری برای همه دوران‌هاست و انقلاب یک رود جاری است و همه کسانی که براساس شاخصه‌ای انقلابی گری عمل کنند، انقلابی هستند حتی جوانانی که امام (ره) را هم ندیده باشند. باید توجه داشت طرز تفکری که انقلابی گری را مساوی افراطی بودن می‌خواند، و مردم را به «تندرو» و «میان‌رو» تقسیم می‌کند یکی از خطاها بوده و چنین دو گانه‌هایی که سوغات بیگانگان و سخن دشمنان است نباید وارد فرهنگ سیاسی کشور شود». (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۹۵ / ۰۳ / ۱۴) از نظر ایشان «خطای دیگر در موضوع انقلابی بودن و انقلابی گری، توقع داشتن یک میزان انقلابی گری از همه کسانی که در مسیر شاخص‌ها و جهت گیری‌های انقلاب حرکت می‌کنند و اصل بر این است که شاخص‌های انقلابی گری وجود داشته باشد. ممکن است فردی نسبت به مفاهیم انقلاب و عمل انقلابی، بهتر حرکت کند و فرد دیگری با شدت و جدیت او حرکت نکند اما هر دو انقلابی هستند و نمی‌توان هر فردی را که در مسیر شاخص‌های انقلاب قرار دارد اما خوب حرکت نمی‌کند، متهم به غیرانقلابی گری و ضد انقلاب بودن کرد. (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۹۵ / ۰۳ / ۱۴)

رهبر معظم انقلاب برای انقلابی بودن پنج شاخص برمی‌شمارند که هر یک از این شاخص‌ها خود به محورهایی تقسیم می‌شود. شاخص اول «پایبندی به مبانی و ارزش‌های اساسی انقلاب» است که به محورهایی مانند پایبندی به اسلام ناب در مقابل اسلام آمریکایی، محور بودن مردم، اعتقاد به پیشرفت، تحوّل، تکامل و تعامل با محیط در کنار پرهیز از انحراف‌ها، حمایت از محرومان، پرهیز از عمل‌گرایی افراطی تقسیم می‌شود. (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۹۵ / ۰۳ / ۱۴)

رهبر معظم انقلاب شاخص دوم را «هدف‌گیری آرمان‌های انقلاب و همّت بلند برای رسیدن به آنها» بر می‌شمارند و بر پرهیز از تنبلی و محافظه‌کاری و ناامیدی، تسلیم نشدن در برابر فشارها و حرکت به سمت پیشرفت و رضایت ندادن به وضع موجود تأکید می‌کنند. (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

شاخص سوم «پایبندی به استقلال همه‌جانبه کشور» است که در این باره رهبر انقلاب به استقلال سیاسی، استقلال فرهنگی، استقلال اقتصادی و استقلال امنیتی اشاره می‌کنند. (همان) «حساسیت در برابر دشمن» شاخص دیگری است که رهبر معظم انقلاب به آن اشاره و بر شناخت دشمن، علت یابی حرکات دشمن، آماده بودن برای مقابله با دشمن، اعتماد نکردن به دشمن و تبعیت نکردن از دشمن (جهاد کبیر) تأکید می‌کنند. (بیانات در مراسم بیست و هفتمین سالگرد رحلت امام خمینی ۱۳۹۵/۰۳/۱۴)

شاخص دیگر مورد نظر رهبر معظم انقلاب «داشتن تقوای دینی و سیاسی» است. (همان)

۳-۱-۴- آزادی سیاسی

آزادی سیاسی در اندیشه‌های مقام معظم رهبری پس از طی سه مرحله، تعریف شده است. در مرحله اول، معظم‌له تأکید دارند برای دستیابی به مفهوم آزادی، باید مستقل فکر کرد و نباید پیرو مفاهیم اقتباس شده از غرب و شرق باشیم. (بیانات در مورخه ۱۳۷۷/۶/۱۲) اگر در مفهوم آزادی، تقلید و همان مفاهیم غرب را تکرار کنیم، نتیجه تلخی در جامعه اسلامی خواهد داشت. براین‌اساس، معظم‌له در جستجوی مفهوم آزادی، با طرح این پرسش که «آیا آزادی دارای یک مفهوم است یا مفاهیم مختلفی دارد؟» می‌فرمایند:

هر یک از مکاتب اسلامی، غربی و شرقی دارای مفهوم جداگانه‌ای از آزادی هستند. هم غرب و هم شرق ادعا دارند که دارای آزادی هستند. غرب، آزادی فردی و شرق، آزادی جامعه (محو شدن فرد در جامعه) را ادعا دارد. اما در مقابل، اسلام نیز دیدگاه ویژه‌ای درباره آزادی دارد. (بیانات در مورخه ۱۳۶۵/۹/۱۴)

ایشان تأکید می‌کنند با توجه به طرح آزادی در انقلاب فرانسه، عده‌ای تصور می‌کنند مفهوم آزادی از غرب وارد اسلام شده است و این، فکر اشتباهی است که آزادی را از غرب هدیه گرفته‌ایم (بیانات در مورخه ۱۳۶۵/۹/۱۴) با همین تصور غلط که آزادی از غرب وارد شده است، عده‌ای در پژوهش دچار اشتباه دیگری شده‌اند و همیشه در مفاهیم آزادی، به منابع غربی چون «کانت»، «جان استوارت میل» و دیگران ارجاع می‌دهند و این اشتباه بزرگی است. آزادی دارای ریشه

اسلامی است و هیچ لزومی ندارد برای تبیین مفهوم آزادی به غرب مراجعه شود. (بیانات در مورخه ۱۳۷۷/۶/۱۲)

بنابراین، معظم‌له برای جستجوی مفهوم آزادی سیاسی، در مرحله اول تأکید دارند که در مکتب اسلام، غرب و شرق دارای مفهوم جداگانه‌اند و خود مفهوم آزادی نیز در اسلام از غرب و شرق اقتباس نشده است و باید مستقل فکر کرد. ایشان در مرحله دوم براساس دیدگاه توحیدی که خالق و آفریننده همه انسان‌ها خداست و مالک و قادر اوست، تعریف ویژه‌ای از آزادی اسلامی ارائه می‌دهند و بیان می‌کنند که آزادی اسلامی به معنای آزادی از غیر خداست؛ زیرا سرور و مولای همه فقط خدای متعال است و نباید کسی اسیر و برده شخص دیگری شود. دعوت همه انبیا اطاعت از خدا و اجتناب از کسانی است که می‌خواهند انسان را اسیر و برده کنند.

ریشه آزادی در فرهنگ اسلامی، جهان‌بینی توحیدی است... تمام پیغمبران اولین حرفشان عبارت بوده از اینکه از خدا اطاعت کنید و از طاغوت، از کسانی که غیر خدا هستند و می‌خواهند انسان را اسیر کنند و برده کنند، اجتناب کنید. (بیانات در مورخه ۱۳۶۵/۱۰/۱۹)

با توجه به نگاه توحیدی که معظم‌له به انسان دارند، آزادی حقیقی و کامل را به معنای آزادی انسان از غیر دانسته‌اند. آزادی، یعنی رهاشدن از قید و بند طاغوت‌ها و امکان حرکت و پرواز به سوی سرمنزل انسانیت که تعالی معنوی و الهی است. (بیانات، ۱۳۶۱/۹/۱۲) ایشان مفهوم آزادی را دواوی درد ملت‌ها دانسته‌اند؛ اینکه ملت‌ها اسیر هوا و هوس و ترس از قدرت‌های ظالم و ستمگر نباشند و این نسخه‌ای است که برای تمام ملت‌های علی‌السواء قابل اجراست و دواوی درد همه ملت‌هاست. یعنی آزادی درونی، آزادی معنوی، آزادی از زنجیرهایی که بازدارنده انسان از حرکت هستند. (بیانات در مورخه ۱۳۶۵/۱۰/۵)

مقام معظم رهبری، همان‌گونه که مفهوم آزادی اسلامی را از آزادی غرب و شرق جدا می‌سازند، فلسفه آزادی در اسلام را نیز از غرب و شرق جدا می‌دانند (بیانات در مورخه ۱۳۶۵/۱۰/۱۹) از منظر ایشان، فلسفه آزادی در غرب، تمایلات انسانی است، چه این تمایلات، منطقی باشد و چه غیرمنطقی؛ بدین معنا که انسان هر چه را خواست باید بتواند انجام دهد. هر چند که در غرب، اعتقاد بر آن است که آزادی با قانون محدود می‌شود، ولی این قانون هم نتیجه تمایلات انسان است. (بیانات در مورخه ۱۳۶۵/۱۰/۱۹)

معظم‌له با توجه به دیدگاه توحیدی و معرفت‌شناسی درباره انسان، فلسفه آزادی اسلامی را همانند حق حیات، مقدمه‌ای برای کمال و عبودیت می‌داند:

آزادی به او داده شده به خاطر پیمودن راه کمال. همین آزادی با این ارزش برای تکامل است؛
 کما اینکه خود حیات انسان برای تکامل است. (بیانات در مورخه ۱۳۶۵/۱۰/۱۹)

انسان در جهان‌بینی اسلامی، موجودی است که استعداد‌های فراوانی دارد و می‌تواند در مراتب علم و معنویت تا بی‌نهایت پیش رود و این در صورتی است که انسان خدا را عبادت و اطاعت کند؛ در غیر این صورت، همه راه‌ها بر او بسته است. با توجه به مفهوم آزادی (آزادی از غیر، آزادی از اسارت طاغوت) و استعداد‌های فراوان انسان، انسان می‌تواند تا بی‌نهایت پیش رود و از فرشتگان هم برتر شود. (بیانات در مورخه ۱۳۶۵/۱۰/۱۹)

۳-۱-۵- آرمان‌گرایی واقع‌بینانه

مقام معظم رهبری در بررسی شاخص‌ها و ویژگی‌های «آرمان‌گرایی»، دو نکته را مورد توجه قرار می‌دهند: ۱. آرمان‌خواهی یعنی اینکه واقعیت‌ها نباید ما را از آرمان‌ها دور کند؛ واقعیت‌ها باید مثل پلکانی ما را به آرمان‌ها نزدیک کند. (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان؛ ۱۳۹۴/۰۴/۲۰)؛ ۲. آرمان‌گرایی یعنی پایبندی به ارزش‌ها و اصول و آرمان‌ها و تأثیرگذاری و تأثیرناپذیری از جهت مخالف و جبهه‌ی مخالف. (همان؛ ۱۳۹۱/۰۵/۱۶)

آرمان‌گرا اگر واقعیت‌ها را درک و فهم نکند با توجه به خصلت غیرمطلوب بسیاری از واقعیت‌ها در دام رویکرد غیرمنطقی و افراطی فرو می‌غلند و واقع‌بینی اگر به واقع‌گرایی تبدیل شود و آرمان‌ها فراموش شوند، آنچه حاصل می‌شود انفعال و سازش با واقعیت‌ها و اندیشه و تصمیم و عمل در چارچوب تنگ این واقعیت‌ها خواهد بود. در اینجا توجه به تمایزی که میان واقع‌بینی و واقع‌نگری وجود دارد مهم است. بر این مبنا، مقام معظم رهبری واقع‌بینی را مطرح می‌کنند نه واقع‌گرایی. واقع‌گرایی پذیرش و سازش با واقعیت‌هاست، تسلیم شرایط و وضعیت موجود شدن است و در موضعی انفعالی نسبت به وضع موجود تصمیم گرفتن و عمل کردن اما در واقع‌بینی، شاهد نوع خاصی از حکمت هستیم. لحاظ کردن شرایط موقعیتی در تصمیم‌گیری‌ها در عین التزام به اصول اساسی و بنیادین که به طور خلاصه می‌توان آن را ترکیب شرایط نامعین با اصول معین دانست. نوع اندیشه‌ورزی مقام معظم رهبری بیشترین تقارن را با این تعریف دارد. از این منظر، نظام جمهوری اسلامی هم اگر ذره‌ای از آرمان‌گرایی واقع‌بینانه فاصله بگیرد، دچار خسران خواهد شد.

به طور کلی، مقام معظم رهبری بر این عقیده هستند که برای همه تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات باید سه مؤلفه کلیدی را در نظر داشت. این مؤلفه اساسی عبارتند از: مؤلفه اول عبارت

است از آرمان‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی؛ «که این اهداف و آرمان‌ها مطلقاً نبایستی از نظر دور بشود»؛ می‌توان آرمان نظام جمهوری اسلامی را در جمله کوتاه «حیات طیبه» خلاصه کرد. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۲/۰۶/۱۴)

مؤلفه دوم عبارت است از راه‌هایی که ما را به این اهداف می‌رساند؛ راهبردهای عمومی و کلی؛ این راهبردها را بایستی شناخت: تکیه بر اسلامیت، ملاحظه ظالم نبودن و مظلوم نشدن در تعاملات گوناگون، تکیه به آراء مردم و آنچه که مردم‌سالاری را تشکیل می‌دهد و راهبردهایی از این قبیل؛ اینها سیاست‌های کلان و اساسی و راهبردهای اصلی نظام جمهوری اسلامی است برای رسیدن به آن آرمان‌ها؛ کار عمومی، تلاش عمومی، ابتکار عمومی، وحدت ملی، و از این قبیل چیزهایی که وجود دارد. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۲/۰۶/۱۴)

و سوم واقعیات؛ «واقعیت‌ها را هم باید دید؛ آنچه ما لازم داریم، آرمان‌گرایی با نگاه به واقعیت‌ها است. واقعیت‌ها را هم باید درست فهمید، آنچه که از واقعیت‌ها موجب اقتدار است، آنها را باید شناخت؛ آنچه از واقعیت‌ها که کمبود و نقص است، آنها را هم باید شناخت؛ آنچه که مانع حرکت است، اینها را باید شناخت؛ واقعیت‌ها را باید درست فهمید. من تعدادی از واقعیت‌ها را اسم بردم در آنجا که اینها واقعیت‌های شیرین موجود ما است، هم‌اکنون نباید نقص‌ها را دید یا ضعف‌ها را دید. وجود فکرهای برجسته، وجود عناصر فعال و مبتکر، رواج معرفت دینی و معنویت در بین بخش وسیعی از نسل جوان، بقاء شعارهای دینی و اسلامی، نفوذ روزافزون نظام جمهوری اسلامی در منطقه و در عالم؛ اینها واقعیت‌هایی است که وجود دارد؛ این واقعیت‌ها را هم باید دید. البته واقعیت‌های تلخی هم در کنار این، مثل همه زندگی انسان که مخلوطی از شیرینی و تلخی است، وجود دارد؛ با تکیه به آن واقعیت‌های شیرین و تقویت آنها، بایستی کوشش کرد برای اینکه واقعیت‌های تلخ و نامطلوب زدوده بشوند یا کم بشوند. این سه عنصر را باید در نظر داشت؛ یعنی آرمان‌ها را از نظر دور نداشت، راهبردها را نبایستی از نظر دور داشت، البته واقعیت‌ها را هم باید دید». (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری؛ ۱۳۹۲/۰۶/۱۴)

علاوه بر این سه مؤلفه اساسی، رهبری ویژگی‌ها و شاخص‌های دیگری نیز برای «آرمان‌گرایی واقع بینانه» تعریف کرده‌اند. ایشان معتقدند که آرمان‌های نظام اسلامی منظومه وار و به شکل یک مجموعه‌ای است؛ بعضی از آرمان‌ها، اهداف غایی‌تر و نهایی‌ترند، بعضی‌ها اهداف کوتاه‌مدت-ترند، اما جزو آرمان‌ها هستند؛ همه اینها را باید دنبال کرد.

علاوه بر نگرش کلی محور و سیستماتیک، رهبری می‌فرمایند که آرمان‌ها سلسله مراتب و درجات متفاوت دارند: «مجموعه این خواسته‌ها و هدف‌ها، منظومه آرمانی اسلام را تشکیل می‌دهد. شما برای هر کدام از اینها که تلاش کنید، تلاش برای آرمان‌ها کرده‌اید. آن مجموعه‌ای که فرض کنیم در راه اقتصاد مقاومتی کار می‌کند، یا آن مجموعه‌ای که در زمینه گسترش فرهنگ انقلابی و اسلامی در دنیای اسلام تلاش می‌کند، اینها همه دارند کار آرمانی می‌کنند. آن کسی که همین تلاش را در زمینه سیاسی و دیپلماسی دارد انجام می‌دهد، کارش آرمانی است. آن کسی که فرضاً در زمینه سلامت تلاش می‌کند، دارد کاری برای آرمان‌ها انجام می‌دهد. آرمان‌ها اینها هستند؛ مجموعه رتبه‌های مختلف برای آرمان‌ها، و همه لازم». (بیانات در دیدار دانشجویان؛ ۱۳۹۲/۰۵/۰۶)

۳-۲- وجوه سلبی

۳-۲-۱- استکبار ستیزی

از جمله مولفه‌هایی که شایسته است در زمینه مساله مقاومت به آن اشاره شود، استکبار ستیزی است که جزء شاخص‌های مهم گفتمان مقاومت در منظومه فکری مقام معظم رهبری می‌باشد.

الف) معنای استکبار؛ اولین پرسش این است که معنای «استکبار» چیست؟ مقام معظم رهبری در باب معنای این مفهوم می‌فرمایند: «استکبار یعنی چه؟ استکبار یک تعبیر قرآنی است؛ در قرآن کلمه استکبار به کار رفته است؛ آدم مستکبر، دولت مستکبر، گروه مستکبر، یعنی آن کسانی و آن دولتی که قصد دخالت در امور انسانها و ملت‌های دیگر را دارد، در همه کارهای آنها مداخله می‌کند برای حفظ منافع خود؛ خود را آزاد می‌داند، حقّ تحمیل بر ملت‌ها را برای خود قائل است، حقّ دخالت در امور کشورها را برای خود قائل است، پاسخگو هم به هیچ کس نیست؛ این معنای مستکبر است». (بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۹۳/۸/۱۲)

ب) معنای استکبارستیزی؛ پرسش دوم در رابطه با معنای «استکبار ستیزی» است. در ارتباط با معنای استکبار ستیزی می‌فرمایند: «نقطه مقابل این جبهه ظالم و ستمگر، گروهی هستند که با استکبار مبارزه می‌کنند؛ مبارزه با استکبار یعنی چه؟ یعنی در درجه اول زیر بار این زورگویی نرفتن؛ معنای استکبارستیزی یک چیز پیچ و خم دار پیچیده‌ای نیست؛ استکبارستیزی یعنی یک ملّتی زیر بار مداخله جویی و تحمیل قدرت استکبارگر یا انسان مستکبر یا دولت

مستکبر نرود؛ این معنای استکبارستیزی است». (بیانات در دیدار با دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۹۳ / ۸ / ۱۲) و نیز می‌فرمایند: «استکبارستیزی عدم تسلیم در مقابل فشارها است. در این زمینه هم ایستادیم. این کار، سخت بود؛ اما جمهوری اسلامی توانست این کار سخت را با موفقیت انجام دهد...». (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه تهران، ۱۳۸۹ / ۱۱ / ۱۵)

ج) سرچشمه استکبارستیزی؛ پرسش سوم در مورد چشمه سار و جایگاهی است که این مفهوم از آن تراوش شده است. مقام معظم رهبری با تأکید بر ریشه‌های دینی استکبارستیزی فرمودند: «مقابله ملت ما با استکبار، ریشه دینی هم دارد. کلمه استکبار و مستکبر و در مقابلش استضعاف و مستضعف، در قرآن هست». (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان: ۱۳۷۸ / ۸ / ۱۲) بنابراین وقتی ریشه استکبارستیزی امری منبعث از آموزه‌های شریعت اسلام و سیره معصوم (ع) باشد در آن صورت عمل به این آموزه مهم فریضه و عبادت محسوب می‌شود و باید در جامعه اسلامی برای تقویت روز افزون آن تلاش نمود، همانگونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «مبارزه با استکبار، هم ممکن است، هم دارای آینده است و هم امروز برای ملت ایران، یک فریضه به حساب می‌آید». (همان؛ ۱۳۷۵ / ۸ / ۹)

۳-۲-۲- نفی سلطه پذیری

نظریه مقاومت به عنوان یک نظریه رهایی‌بخش در قالب پارادایم برخورد با سلطه و مبتنی بر قدرت روایت انقلاب اسلامی از متن اسلام ناب محمدی (ص) و با هدف غریب‌دگی زدایی از نظام بین‌الملل نظریه‌پردازی شده است. (قادری کنگاوری، ۱۳۹۲: ۱۹۱)، از این رو انقلاب اسلامی که بر پایه اسلام خواهی، عدالت و مقاومت با نظامات سلطه شکل گرفت نه تنها هرگز نمی‌تواند با نظامات سلطه جو که به دنبال استعمار و استکباراند همزیستی مسالمت آمیز داشته باشد که همواره بدنبال تغییر معادله حاکم بر جهان یعنی سلطه جو و سلطه پذیر است، همانگونه که در تعبیر مقام معظم رهبری بدان اشاره شده است: «ملت ایران کار بزرگی انجام داد؛ کار عظیمی انجام داد. در دنیایی که مبتنی بر مدار زور و زورگویی و چپاولگری قدرتمندان و زورمندان است و ملت‌های مستضعف در مناطق فراوانی از عالم دائماً در زیر فشار این زورمندان قرار دارند، در این دنیا یک موجودی، یک هویتی سر بلند کرد که صریحاً، بدون ملاحظه، با شجاعت کامل این حرکت غلط عالم را - که حرکت سلطه‌گری است و ما از آن تعبیر می‌کنیم به نظام سلطه - نفی کرد؛ این کار ملت ایران است. ملت ایران نظام سلطه را که مبتنی بر سلطه‌گر و سلطه‌پذیر است، نفی کرد». (بیانات در مورخه ۱۳۹۳ / ۱۱ / ۲۷)

همچنین می‌فرمایند: «از دورانی که مساله استعمار در دنیا شروع شد- یعنی از قرن نوزدهم- که آرام آرام از حدود دویست سال قبل تقریباً مساله استعمار یعنی دست‌اندازی به کشورهای دیگر از سوی قدرتهایی که می‌توانستند دست‌اندازی کنند، شروع شد، نظام سلطه سر کار آمد؛ یعنی دنیا تقسیم شود به دو بخش؛ یک بخش گردن کلفت و زورگو و سلطه‌گر، یک بخش ضعیف و توسری‌خور و سلطه‌پذیر. انقلاب اسلامی شما در مقابل این حرکتی که به حرکت طبیعی دنیای سیاست تبدیل شده بود، ایستاد. اینی که شما می‌بینید امروز در خیلی از کشورها صدای مرگ بر آمریکا بلند می‌شود، این چیز جدیدی است؛ این مخلوق حرکت ملت ایران است. چنین چیزی وجود نداشت..... اینجا بود که اول، شاخ ابرقدرتی ابرقدرتها را شکست، نظام سلطه را به چالش طلبید». (بیانات در مورخه ۱۳۷۸/۴/۴)

معظم له در رابطه با معنای نظام سلطه می‌فرمایند: «نظام سلطه، یعنی نظامی که بر پایه رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر بنا شده؛ یعنی کشورهای دنیا یا مجموعه‌های بشری دنیا، تقسیم می‌شوند به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر؛ آن اتفاقی که امروز در دنیا افتاده [این است]؛ یک عده‌ای سلطه‌گرند، یک عده سلطه‌پذیرند». (بیانات در مورخه ۱۳۹۴/۴/۲۰) همچنین از مبارزه با سلطه-گری و استکبار به عنوان یکی از آرمان‌های خویش یاد کرده و می‌فرمایند: «یکی از آرمان‌هایی که من یادداشت کرده‌ام، مبارزه با نظام سلطه و استکبار است». (بیانات در مورخه ۱۳۹۴/۴/۲۰)

مقام معظم رهبری دعوا و خصومت نظامات سلطه‌گر با جمهوری اسلامی را بخاطر همین آرمان مبارزه با سلطه جویان می‌دانند و تاکید می‌کنند که: «دعوی با ایران هم سر همین است؛ این را بدانید. دعوی با جمهوری اسلامی این است که این، نظام سلطه‌گر و سلطه‌پذیر را نپذیرفته؛ سلطه‌گر که نیست، خودش را از سلطه‌پذیری هم بیرون آورده و پای این حرف ایستاده. اگر ایران موفق شد و پیشرفت پیدا کرد -پیشرفت علمی، پیشرفت صنعتی، پیشرفت اقتصادی، پیشرفت اجتماعی، گسترش نفوذ منطقه‌ای و جهانی- نشان داده می‌شود به ملت‌ها که می‌توان سلطه‌پذیر نبود و روی پای خود ایستاد و پیشرفت کرد. نمی‌خواهند این اتفاق بیفتد؛ همه دعواها سر این است، بقیه حرف‌ها بهانه است». (بیانات در مورخه ۱۳۹۴/۴/۲۰). همچنین می‌فرمایند: «دشمنی دشمنان ما به خاطر این است که نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده است؛ در مقابل عادت بد تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر ایستاده است؛ بقیه چیزها بهانه است. امروز بهانه، مساله هسته‌ای است؛ یک روز بهانه، حقوق بشر است؛ یک روز بهانه، یک چیز دیگر است. آنها می‌خواهند نظام جمهوری اسلامی را از ایستادگی در مقابل قلدرها و گردن‌کلفت‌ها و

باج‌گیریها و زورگویان عالم منصرف کنند؛ البته این اتفاق نخواهد افتاد. ملت ایران توانایی خود را در میدان‌های مختلف اثبات کرده است؛ ملت ایران اثبات کرده که بدون تکیه به آمریکا، هم می‌شود پیشرفت علمی پیدا کرد، هم می‌شود پیشرفت اجتماعی پیدا کرد، هم می‌شود نفوذ بین‌المللی پیدا کرد، هم می‌شود عزت سیاسی در دنیای بشریت پیدا کرد. این را جمهوری اسلامی اثبات کرده و آنها از این ناراحتند». (بیانات در مورخه ۱۳۹۳/۲/۳۱)

نتیجه‌گیری:

با نگاهی به سیره انبیا و صالحان، می‌توان گفت «گفتمان مقاومت» ریشه در تاریخ داشته است. مجاهدت‌های پیامبر اسلام (ص) و ائمه اطهار (ع) در ترویج و تبلیغ معارف متعالی اسلام نمونه‌هایی تاریخی از این حرکت عظیم هستند. این روند در حرکت علما، مثل ماجرای تنباکو و نهضت مشروطه و امثالهم، تداوم یافت. یکی از ابعاد مهم و مبنایی انقلاب اسلامی نیز «گفتمان مقاومت» است. این حرکت در تأسی به حرکت پیامبر عظیم‌الشأن اسلام (ص) و ائمه (ع) از ابتدای انقلاب آغاز گردید و در قالب یک حکومت اسلامی متبلور شد. با شکل‌گیری انقلاب اسلامی به رهبری حضرت امام (ره) و به خصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی، راهبرد مقاومت در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی انسجام یافت. نکته دوم اینکه گفتمان مقاومت یک گفتمان انفعالی و صرفاً واکنشی نیست، بلکه گفتمانی فعال و کنشی نسبت به مقتضیات زمان در شرایط خاص خود است. برخی تصور می‌کنند بحث از مقاومت یعنی اتخاذ حالت تدافعی. این در حالی است که تهاجم، ابتکار عمل و اقدامات فعال نیز در درون این گفتمان تعریف شده است. ویژگی سوم گفتمان مقاومت، که در بیانات مقام معظم رهبری نیز بر آن تأکید شده، آرمان‌گرایی توأم با واقع‌بینی است. به عبارت دیگر، گفتمان مقاومت، ضمن توجه و تأکید بر پیگیری جدی آرمان‌ها، بر واقعیت‌ها نیز توجه دارد و مبتنی بر واقعیت‌ها، آرمان‌ها را دنبال می‌کند. ویژگی چهارم این گفتمان این است که ابعاد سلبی و ایجابی دارد. در بُعد سلبی یکی از مهم‌ترین محورها، سلطه‌ستیزی و مقاومت در برابر نظام سلطه است. در این راستا، انقلاب اسلامی در واقع به مثابه نفی نظام‌های ایدئولوژیک و سیاسی سوسیالیستی و لیبرالیستی بود. در واقع «نه» بزرگ به هر دوی این گفتمان‌ها بود.

اما در بُعد ایجابی باید گفت که ابعاد مختلفی مانند عدالت‌طلبی، حق‌خواهی، عزت‌طلبی، استقلال‌طلبی و اسلام‌گرایی در متن و مبنای گفتمان مقاومت جایگاهی محوری دارند.

منابع فارسی:

کتاب

- ۱- برنز، اریک (۱۳۷۳)، میشل فوکو، ترجمه بابک احمدی، چاپ اول، تهران: کهکشان
- ۲- دارابی، علی (۱۳۹۶)، جریان شناسی سیاسی در ایران، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

مقالات

- ۱- جواد منصوری، و دیگران (۱۳۸۱)، انقلاب اسلامی و معنویت گرایی، فصلنامه اندیشه انقلاب اسلامی، شماره ۲
- ۲- شعیری، حمیدرضا (بهار ۱۳۹۴)، مقاومت، ممارست و مامشات گفتمانی: قلمروهای گفتمان و کارکردهای نشانه- معنانشناختی آن، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ۱۶، شماره ۱
- ۳- قادری کنگاوری، روح الله (بهار ۱۳۹۲)، نظریه مقاومت در روابط بین‌الملل؛ رویکرد ایرانی- اسلامی نفی سبیل و برخورد با سلطه، مجله سیاست دفاعی، شماره ۸۲

منابع انگلیسی:

- Babcock Gove, Philip (1981), **Webster's Third New International Dictionary**, U.S.A
- Payne, Michael (1996), **A Dictionary of Cultural and Critical Theory**.first Published in UK & U.S.A Blackwell publishers